

سرود انترناسیونال

اوژن پوتیه

«سرود انترسیونال» در اصل به زبان فرانسه و توسط «اوژن پوتیه» [Eugén Pottier] سروده شده. او در خانواده‌ای فقیر تولد یافت و تمام عمر خود را در فقر گذراند. شغل نخست او کارگر بسته‌بند، و بعدها به‌عنوان قالب‌ریز امرار معاش می‌کرد.

در روزهای تشکیل کمون پاریس در سال ۱۸۷۱ میلادی «اوژن پوتیه» به عضویت کمون انتخاب شد، ولی بعد از یورش پلیس فرانسه در ۱۸ مارش آن سال و سقوط کمون، «پوتیه» مجبور شد به تبعید اول به انگلستان و از آنجا به آمریکا برود. شعر مشهور «انترناسیونال» را او در ژوئن سال ۱۸۷۱ میلادی و در فردای شکست خونین ماه مه آن سال سرود.

«پوتیه» در سال ۱۸۸۰ میلادی به فرانسه بازگشت. نخستین دفتر اشعار او در سال ۱۸۸۴، و دومین جلد آن تحت عنوان «ترانه‌های انقلابی» در سال ۱۸۸۷ به چاپ رسید. او سه سال بعد از چاپ این دفتر، در هشتم نوامبر سال ۱۸۸۷ در فقر و تنگدستی در پاریس درگذشت. «پوتیه» در گورستان پرلاشر، و در محل دفن کمونارهای اعدامی به خاک سپرده شد.

در ماه ژوئن سال ۱۸۸۸ میلادی، شش ماه بعد از مرگ «اوژن پوتیه» سراینده این شعر، «پی‌یر دوژیته» [Pierre Degeyter] که او نیز کارگر بود، با دستگاه ارگ بسیار ساده‌ای که در خانه داشت ریتم و آهنگی بر این شعر گذاشت که «سرود انترناسیونال» نام گرفت. از ویژگی‌های این آهنگ و سرود یکی هم آن است که برای اجرای آن نیازی به حضور نوازندگان و نواختن آلات و ادوات موسیقی نیست و همگان و ترجیحا در شکل گروهی آن می‌توانند این سرود را بخوانند.

ماه بعد از خلق آهنگ این سرود، در ژوئیه سال ۱۸۸۸ میلادی در یک گردهمایی از سوی روزنامه‌فروشان شهر «لیل» در فرانسه، نخستین اجرای کر «سرود انترناسیونال» به رهبری «پی‌یر دوژیته» انجام و از آن پس، سرود پرولتاریا و کارگران همه کشورها شد.

شعر این سرود به زبان فارسی توسط «ابوالقاسم لاهوتی» ترجمه شد. اجرایی که از این سرود به زبان فارسی موجود است، بر مبنای ترجمه‌ای است که «ابوالقاسم لاهوتی» انجام داده.

برخیز، ای داغ لعنت‌خورده،
دنیای فقر و بندگی!
جوشیده خاطر ما را برده
به جنگ مرگ و زندگی.
باید از ریشه براندازیم
کهنه جهان جور و بند،
آنگه نوین جهانی سازیم،
هیچ‌بودگان هر چیز گردند.

روز قطعی جدال است،
آخرین رزم ما .
انترناسیونال است
نجات انسانها.

بر ما نبخشد فتح و شادی
خدا، نه شاه، نه قهرمان .
با دست خود گیریم آزادی

در پیکارهای بی‌امان .
تا ظلم را از عالم بروبیم ،
نعمت خود آریم به‌دست ،
دمیم آتش را و بکوبیم
تا وقتی که آهن گرم است.

روز قطعی جدال است ،
آخرین رزم ما .
انترناسیونال است
نجات انسانها .

تنها ما توده جهانی ،
اردوی بی‌شمار کار ،
داریم حقوق جهانبانی ،
نه که خونخواران غدار .
غرد وقتی رعد مرگ‌آور
بر رهنزان و دژخیمان ،
در ابن عالم بر ما سراسر
تابد خورشید نورافشان .

روز قطعی جدال است ،
آخرین رزم ما .
انترناسیونال است
نجات انسانها .

دیوان ابوالقاسم لاهوتی، اداره نشریات به زبان‌های خارجی مسکو، تاریخ انتشار ۱۵/۱/۱۹۷۵، صفحه ۴۱۳ تا ۴۱۵

از شعر «انترناسیونال» ترجمه دیگری هم از «احمد شاملو» هست که در شماره ۳۳ «کتاب جمعه» [ویژه‌نامه روز اول ماه مه]، به تاریخ ۱۱ اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۹ خورشیدی به چاپ رسیده. برگردان «شاملو» از متن فرانسه این سروده انجام شده است.

برخیزید ، دوزخیان زمین!
برخیزید ، زنجیریان گرسنگی!
عقل از دهانه آتشفشان خویش تندر وار می‌گردد
اینک! فوران نهائی‌ست این.
بساط گذشته بروبیم ،
به‌پا خیزید! خیل بردگان ، به‌پا خیزید!
جهان از بنیاد دیگرگون می‌شود
هیچیم کنون ، «همه» گردیم!
نبرد نهائی‌ست این.

به‌هم گرد آئیم

و فردا «بین‌الملل»
طریق بشری خواهد شد.
رهاننده برتری در کار نیست،
نه آسمان، نه قیصر، نه خطیب.
خود به رهائی خویش برخیزیم، ای تولیدگران!
رستگاری مشترک را برپا داریم!
تا راهزن، آنچه را که ربوده رها کند،
تا روح از بند رهائی یابد،
خود به کوره خویش برده‌یم
و آهن را گرماگرم بکوبیم!
نبرد نهائی‌ست این.
به‌هم گرد آئیم
و فردا «بین‌الملل»
طریق بشری خواهد شد.
کارگران، برزگران
فرقه عظیم زحمتکشانی‌م ما

جهان جز از آن آدمیان نیست
مسکن بی‌مصرفان جای دیگری است.
تا کی از شیرۀ جان ما بنوشند؟
اما، امروز و فردا،
چندان که غرابان و کرکسان نابود شوند
آفتاب، جاودانه خواهد درخشید.
نبرد نهائی‌ست این.
طریق بشری خواهد شد.